

چند سند تاریخی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

از :

محمد رضا نصیری

(دانشجوی دکتری تاریخ)



پښتونستان د علومو او مطالعات فریښی

پرتال جامع علوم انسانی

از : محمدرضا نصیری

(دانشجوی دکتری تاریخ)

چند سند تاریخی

= ۱ =

سواد نامه کریم خان زند به سلطان عبدالحمیدخان اول^۱

بسم الله خير الاسماء

الحمد لله مالك الملك والملکوت ورب العزة والجبروت الملك
الحي الذي لا يموت خالق الامم مفيض النعم حديم الكرم ابتدع من الطين
بقدرته خلق خليفة ابي البشر ، فصوره بحسن تقويمه احسن الصور
وزين هام خلافته برغائب الكرامة وتوجه بتاج الامامة و اناط نظام
امر الانام بعده لحفظ النواميس بتعاقب الرئيس من الملوك والسلطين
وتتابع الولاة من القياصرة والخواقين والصلوة والسلام على النبي
الاجل الاكرم محمد سيد العرب والمجم و على آله واصحابه اجمعين
الى يوم الدين

بعد از حمد جناب کبریا ، و بسط بساط نعت سیدانبیا، یرمآت
ضمیر قدسی تخمیر اعلی حضرت گردون بسطت ثریا منزلت مشتری
سعادت خورشید طلعت، عطار دلفننت، زینت بخش و سادۀ جاه و جلال،

۱- آرشيو ملی ترکیه دفترنامه همايون جلد ۹ ص ۶۶-۶۵ این نامه تاریخ
ندارد ولی ورود عبدالله بیگ باستانبول در اوایل شعبان صورت گرفته و تاریخ
ثبت سواد در دفتر، اوائل شعبان ۱۱۸۹ می باشد .

متکی ارائك فرخنده گى [فرخندگى] واقبال، مصقل مرآت مطلب نماى دولت خداداد، شیرازه بند اوراق پریشان بلاد و عباد، فارس مضماری خصم افکنی و دشمن شکاری، منظورانظار الطاف حضرت باری، فروردین ریاض همیشه بهار صاحبقرانی، حدیقه طراز گلزار جهاننداری، اعظم سلاطین جهان، افخم خواقین دوران، ناصر الاسلام و المسلمین، قانع الکفار و المشرکین، قآن البرین و خاقان البحرین، خادم الحرمین الشریفین، ثانی اسکندر ذی القرنین، المؤید بتأییدات الملك المنان، السلطان ابن السلطان، و الخاقان ابن الخاقان، السلطان عبدالحمیدخان، زین سریر خلافة العظمی بقوایم ذاته، و نور عیون السلطنة الکبری بلوامع انوار صفاته، منطبع میگرداند که:

نامه محبت طراز و مفاوضه لازم الاعزاز که بصحابت عالیجاه حقایق آگاه قدوة الامثال و الاماجد محمد و هبى بیاد آوری کمترین بنده درگاه الله سمت ارسال یافته بود در اسعد اوان و ایمن زمان شرف و وصول بخشید، و اشعه انوار مضامین ملاطفت آیین آن پرتو افکن ساحت اطلاع گردید.

شرحی که بخصوص قضیه نواب جنتمکان خلدآشیان، و جلوس میمنت مانوس آن مهر سپهر عظمت و کامکاری بر تخت سلطنت و جهاننداری بآن کیفیت زبانه زد کسلك در ربار و رقمزده خامه مطلب گردیده بود اگرچه از رهگذر وقوع قضیه هائله ناگزیر آن پادشاه غفران پناه، نخست تراکم غمام غموم صبح تمیش دوستان صاف اعتقاد را تیره نمود، از استواء آن شمس سپهر عظمت و کامکاری بروسط السماء دولت جاوید دیده شوق روشن و ریاض تمنی گلشن گردید. بینایان رموز انفس و آفاق چنانچه بنظر تحقیق و دیده تأمل در مرآت رضا تماشای احکام قضا نمایند پیداست که ذائقه مضایقه را از ناگواری این مقدمات مرارت آموز نساخته بحلاوت نتایج شکر الهی

خواهند بود فحمداً لله ثم حمداً لله امید که همواره بر سریر گردون
نظیر دولت متمکن باشند .

مبارك بود بر تو این تاج و تخت

که از لطف ایزد شدت یاربخت

ولایت ز عدلت پر آوازه باد

بتو تاج و تخت شهری تازه باد

و آنچه در باب مقدمات رفع مخاصمات از میان آن دولت علیه و
دولت روسیه و تبدل بصلح و یگانگی که از مکارم اخلاق آن خدیوان نفس
و آفاق اتفاق افتاده و بآ روش نگارش پذیر قلم اظهار شده بود مدتی
قبل از حصول ابتهاج بر قیمه کرامت ضمیمه کیفیت مصالحه مزبوره را
استماع، و چون بفحوای الصلح خیر و وقوع این امر موجب رفاه حال
کافه انام و باعث تقویت اهل اسلام و مقبول طبایع خاص و عام میشود
انواع سرور و حبور حاصل، و غنچه دل صداقت منزل از نسیم اخبار
این اخبار مسرت آثار شکفتگی آغاز و چمن آمال قرین اهتراز گردید.

و آنچه در خصوص تشییید مبانی سنور و عهود فیما بین روم و
ایران که در سنه تسع و خمسین و مائه بعد الف هجری استقرار یافته
در رقیمه ملاطفت ضمیمه اندراج پذیرفته بود از یمن عنایات ملك
علام بنیان مشید الارکان سنور و عهود در نهایت استحکام و همیشه
اوقات بتخصیص درین زمان که اورنگ جهاننداری بوجود آن طراز
آرای سلطنت و کامگاری زیب و زینت گرفته بیش از پیش قواعد
مزبوره استحکام پذیر و بعون الله الملك القدير خلل در بنیان مستحکمه
آن راه نخواهد یافت .

لیکن چون از جانب وزراء و امرای سرحدات روم که متصل

بولایات ایران میباشد اموری چند مخالف شروط عهد سنور بظهور میرسید که وقوع آنها مبین شیوه و داد و خلاف رویه اتحاد بود بناء علیه مجملی از مفصل کیفیت آن در مکتوب وزارت و شوکت و اقبال پناه کافل امور عباد الله بالرأی الصائب ، و ناظم مهام بلاد الله بالفکر الثاقب ، وزیر صائب تدبیر صاحب رای اعظم مرقوم شده بعد از آنکه مراتب مسفوره بر ضمیر آفتاب تنویر مکشوف گردد البته بمحاسن معدلت و مملکت آرائی آن زیننده اورنگک جهانبانی و فرمان روایی حجب آن غوائل ارتفاع پذیر خواهد شد .

درین وقت که عالیجاه قدوة الاما جد و الاکارم مشارالیه بانصوب باصواب معاودت مینمود بنوشتن جواب آن نیز پرداخته ، عالیجاه مشارالیه از راه بغداد عازم درگاه معلی ، و نظر باینکه احتمال میرفت که دیرتر بتقبیل عتبه علیا مستعد گردد ، عالیشان معلی مکان عباد الله بیک را بطریق استعجال و چاپاری نیز از راه قارص روانه و صفحه صحیفه الاخلاص بدین عبارات خالصه الدلالات معرر و ارکان و داد و اتحاد را باظهار تشبیه مبانی عهد دستور مقرر ساخته ، همواره مترصد شمول اعطاف و منتظر صدور مکاتیب و رقیمجات ملاطفت اتصاف میباشد .

امید که سرادق دولت و اقبال و خیام شوکت و اجلال باو تا داخلود و اطناب ابود مستحکم بوده اختر طالع فیروزی مطالع از افق اجلال ساطع و تابان و لامع و درخشان باد .

نامه کریم خان زند به محمد عزت پاشا^۱
صدراعظم عثمانی

صحیفه مودت طراز و نسیقه محبت آغاز که درینولا از جانب
خیریت جوانب عالیجاه رفیع جایگاه وزارت و شوکت و اقبال پناه
امارت و عظمت و جلال دستگاه فخامت و نجدت و نبالت [انتباه
شهامت و مجدت و بسالت اکتناه عمده الامناء الکرام^۲] اسوة الفخماء
العظام اعتضاد السلطنة الباهره السنیه اعتماد الدوله القاهره البهیة
رکن رکن اعظم سلطنت پایه متین افخم دولت و ابهت دستور معظم
مشیر مفخم امیر مکرم نظاماً للوزارة و الحشمة و العظمة و الاقبال
محمد عزت پاشا ادام الله تعالی اجلاله وزیر اعظم دولت قوی شوکت
علیه عالیة عثمانیه در اسعد اوان و ایمن زمان بمحسوب سفارت و
مناعت نشان قدوة الاماجد و الافاخم زبدة الاعالی و الاکارم محمد
وهبی افندی پیرایه پوش سمت وصول، و از فحای عبارات رنگین
و استعارات مؤالفت تضمین آن که رایحه دوستی یمشام موالات ارتسام
میرسید دماغ محبت و وفاق معطر و بر مضمون بلاغت مشحونش
مستحضر و مطلع گردید .

اشعاری که در مواد وقوع قضیه ارتحال نواب غفران مآب خاقان
فردوس مکان خلد آشیان المستغرق فی بحار الرحمة الملك المنان
سلطان مصطفی حکمروای سابق ممالک صنیع المسالك آنسامان از این
دیر فانی و انتقال او بگلشن سرای جاودانی ، و نتیجه طلوع آفتاب

۱- اصل نامه بشماره ۱۷۴ خط همایون در آرشیو ملی ترکیه ضبط است.

۲- افتادگیهای نامه را از روی سواد آن که در جلد ۹ دفترنامه همایون ثبت
بود آورده و در بین دو کروه مشخص کرده ایم. این نامه هم ظاهراً در رجب ۱۱۸۹
نگارش یافته است .

جهان تاب وجود مسعود اعلیحضرت فلك رفعت گردون بسطت
 مریخ صولت، پادشاه ذیجاه انجم سپاه ثریا سریر، شهنشاه، نصرت
 دستگاه کیوان بارگاه اسلام پناه عدیم النظیر، نیراعظم آسمان
 سلطنت و کامکاری، فروزنده مهر عالم عظمت و تاجداری، مسند
 آرای اریکه سروری زبندۀ اورنگ جلال و برتری، زینت ده و
 سادۀ عدالت و دادگستری، قآن سکندر حشم داور قیصر خدم قانع
 الکفار قالع الفجار، معین الحلة الدین مرغم انوف الکفرة و المشرکین
 سلطان البرین خاقان البحرین خادم الحرمین الشریفین السلطان ابن-
 السلطان سلطان عبدالحمید خان فرمانفرمای نافذالفرمان روم از
 مطلع خلافت ر شهرداری، و تمکن و استقرار خورشید ذات قدسی
 [سمات نقاوه خاندان سلاطین دادآئین و سلاله دودمان خواقین با
 عز و تمکین آن مرز و بوم] در بیت الشرف نبالت و جهانداری
 نگاشته قلم صداقت شیم گردیده بود، از آنجا که هر فردی از افراد
 بنی نوع بشر را از سلاطین اورنگ گزین و مساکین خساک نشین
 بمضمون آیه کریمه کل نفس ذائقة الموت جز از چشیدن شربت
 ناگوار ممات چاره و گریزی و با حکم و تقدیر خالق البریات ستیز
 و آویزی نمیباشد، عاقبت هر یک از مخلوقات فوت و فناست، ذلك
 تقدیر العزیز العلیم انشاء الله تعالی تشریف دارایی دارایی و جامه زیبای
 دیبای مملکت آرای طراز قامت فرخنده علامت اعلیحضرت ظل اللہی
 و در ایوان شامخ البیان معدلت پیرایی جلوس مسرت مانوس خلافت
 پناهی مبارک و مؤید نامتناهی باد .

و شرحی که بخصوص انعقاد مهم مصالحه و مسالمة و انسداد
 مجادله و مخاصمه با طایفه روسیه و انطفاء نوایر نزاع و معادات
 بزال صلح و مواسات زبان زد خامه اظهار و باعلام آن تبادل ورزیده
 بودند، هر چند این معنی سابق بر این گوش زد این نیازمند درگاه اله
 گردیده بود، لیکن چون مطلب مذکور در نظر اولوالباب مرغوب و

طبایع دوستان را مطلوبست بنا بر توافق دین مبین و حصول آسایش مسلمین کمال خوشوقتی حاصل شد بمصداق صدق سیاق الصلح خیر، صلاح حال در مصالحه، و بهرجهت سلم و مهادنه بهتر از حرب و مخاصمه است.

و اینکه مرقوم کلک مصادقت سلك گشته بود که اساس دوستی و ضوابط سنوری که در تاریخ سنه تسع و خمین و مائه بعدالف من البحرى فیما بین دولت علیه عالیة عثمانیه و اهالی ایران مشید و مستحکم گردیده، از حدوث خلل مصون و بهمان ضابطه با استقرار و استحکام مقرون میباشد، از این طرف نیز پیوسته مراعات قواعد دوستی و سنور منظور نظر محبت مفطور، نهایت سرحدداران و ضابطان ثغور ممالک روم پاس قواعد و شروطی که در وثیقه مصالحه و مسالمة فیما بین دولت علیه عالیة و اهالی ایران مرقوم شده منظور نداشته، بارتکاب حرکاتی که منافی دوستی و سنور و راه رسم اخوت اسلامی است قیام و اقدام مینمایند، که مجملی از مفصل [آن جهت استحضار آن عالیجاه وزرات دستگاه رقمزده کلک اظهار میشود دو فقره آن شروط] مسالمة است.

اولاً اینکه در وثیقه مسفوره که در سرکارات امناء دولتین ضبط است چنین مندرج و مرقوم گردیده که از حجاج بیت الله الحرام و زوار مشاهد مقدسه که ذریه حضرت خیرالانام اند اخذ وجوه مبتدعه از قبیل درمه و گوشی و غیره نشده آنها را سالمین آمینن بمقصد رسانند. حکام و ضابطان سرحدات خلاف آنها مرتکب و بخلاف رفتار، و سلوکی که با اهالی ممالک هند و ترکستان مسلوک میدارند در نهایت ناخوشی با اهالی ایران از مجاورین و مسافرین رفتار می نمایند. اینمطلب منافی شرط مصالحه و مراعات طریقه اسلام و ثانیاً در عهدنامه مذکور ذکر گردیده که تفرقه ولایات را نگاهداری نکرده رد نمایند، مکرر در باب تفرقه ایرانی که بعد از

زوال آفتاب دولت خاقان طوبی آشیان نادر سلطان اسکنه را الله تعالی فی فرادیس الجنان بتقریب تصاریف زمان و تسلط ارباب جور و عدوان متفرق بولایات روم آمده اند، بمحافظین ثغور و سرحداران آن مرز و بوم شروح دوستانه مرقوم، و آنها در مقام تعلل و ندادن برآمده متفرقه مذکور را رد ننمودند .

و همچنین جمعی کثیر از صاحبان مکنت و ثروت ایران بعزم تجارت بولایات بغداد و بصره رفته بودند، در سال گذشته نظر بمرض طاعونی که از قضایای آسمانی در ولایات مذکور بهم رسیده بود تمامی متوفی، و بعد از فوت ایشان وراث هر یک جهت تصرف و اخذ اموال و مخلفات متوفیان که حسب الشرع انور بایست بوراث مذکور عاید شود بولایات بغداد و بصره رفته، حکام و ضابطان آنجا از طریق شرع مبین عدول و انحراف ورزیده آنها را مجاب و بی نیل مقصود روانه، و تمامی اموال جماعت ایرانی را خود تصرف، و در این مواد شروح مبسوطه بایشان اعلام، و مفید نیفتاد .

در حینی که عالیجاه رفیع جایگاه شوکت و حشمت و جلالت پناه مصطفی پاشای سرعسگر که از جانب ذی شوکت علیه مأمور بقارص و محافظت آن سرحد بود، شرحی باین نیازمند درگاه اله در خصوص نفاق عالیجاه ارکلی خان والی گرجستان ساخت و کارتیل با طایفه روسیه، و عزیمت آنها بعنوان تاخت و تاز [بولایت ارزنة الروم وقارص و ساحت آن مرزوبوم] قلمی، و متمنی شده بود که والی مشارالیه را از ارتکاب اینگونه حرکات ممنوع سازیم . بنا بر ملاحظه قاعده دوستی و ضابطه سنور حسب التمتنا کسان ساعی تعیین و شروح تهدیدآمیز باو قلمی، که بمجرد وصول آدم و شروح مرقومه ارکلیخان مذکور دست از رفاقت و معاونت آنها برداشته جماعت روسیه را از ولایت خود اخراج [نموده و رفع غائله نزاع گردیده] .

چون در سنهٔ ماضیه ، جماعت خوارج مسقط که از قدیم الایام باجگذار فرمان بردار ارباب اختیار ایران میباشند ، و تا دو سال قبل از این کسان ایشان بحضور آمد و شد و اظهار اطاعت و انقیاد می نمودند، در مقام تمرد و عصیان برآمده طاعی ، و جهت تنبیه جماعت مذکور فوجی از سپاه منصوره مأمور ، و نظر باینکه جماعت فرنگ با فرمانروایان ایران از قدیم الایام چنین قرارداد کرده بودند که هر وقت از اوقات از طرف اربابان اختیار ایران از روی دریا برای انتظام امور جزایر ایران و گذرانیدن قشون از آب خدمتی به آنها مرجوع شود جماعت مزبور سفاین و غرابات داده در تقدیم آن خدمت کوشند و از اینطرف نیز مراعات به آنها واقع شود ، جهت معبر نمودن قشون مأمورهٔ مسقط از طایفهٔ فرنگ بعمارت خواهش چندفروند غرابات و سفاین شده بود، متسلم بصره در مقام ممانعت برآمده و نگذاشت که جماعت فرنگ بشروط معهود عمل نمایند ، و باین معنی اکتفا نکرده تمامی غرابات و سفاین جماعت بصره و فرنگی را از علوفه و ذخیره و سایر مایحتاج بار و جهت خوارج مسقط روانه و در مقام اعانت جماعت خوارج برآمده با یکدیگر یکجهت میباشند .

و نظر باینکه عالیجاه سفارت و سعادت پناه قدوة الاماجد و الافاخم محمد و هبی افندی از راه دارالسلام بغداد عازم درگاه معلی ، و بالضروره بایست که منزل به منزل طی مسافت نماید، و حقیقت سوء سلوک و حرکات ناهنجار سرحدداران و ضابطان [نسبت باهالی ایران بسیار سرزده ، که به آن عالیجاه] دستور مکرم مرقوم و بصحابت مشارالیه مرسول شده، امکان داشت که تعویقی در آمدن او بهم رسد، باین جهت لازم بود که قبل از رسیدن مشارالیه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خير البرية

والصلاة والسلام على من لا نبي بعده
والسلام على من لا نبي بعده

والسلام على من لا نبي بعده
والسلام على من لا نبي بعده

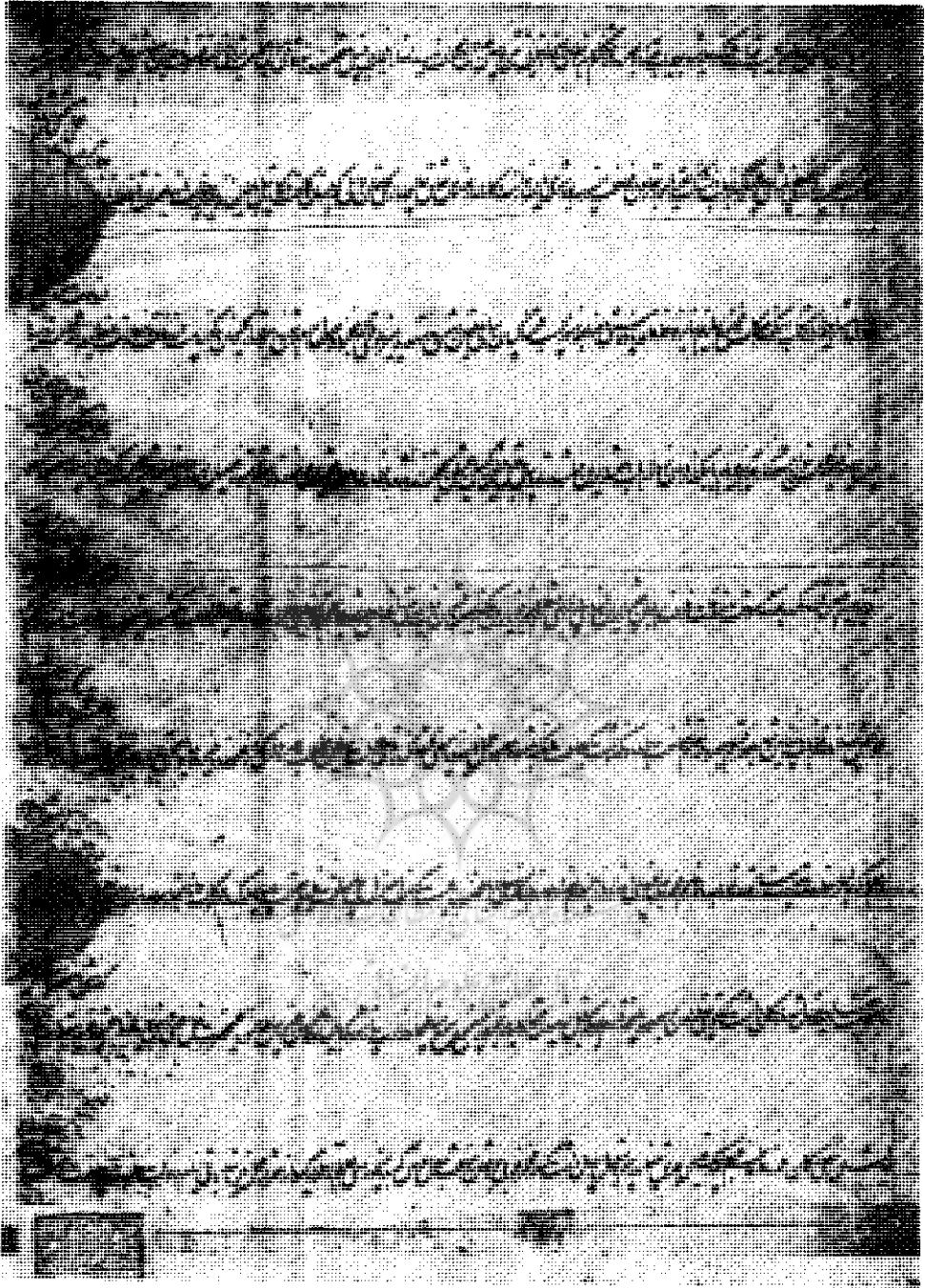
والسلام على من لا نبي بعده
والسلام على من لا نبي بعده

والسلام على من لا نبي بعده
والسلام على من لا نبي بعده

والسلام على من لا نبي بعده
والسلام على من لا نبي بعده

والسلام على من لا نبي بعده
والسلام على من لا نبي بعده

والسلام على من لا نبي بعده
والسلام على من لا نبي بعده



قسمت سوم سند شماره ۲

مراتب مزبور مسموع سمع آن عالیجاه وزارت پناه شود که بایستادگان حضور ساطع النور اعلی حضرت ظل المهی عرض نماید، لهذا بتحریر و تقریر مقدمات مذکوره پرداخته گزارش را مفصلاً بمقام [.....] عالیشان معلی مکان عمدة الاعاظم عبدالله بیک قدیمی بطریق ایلفار و رسم استعجال ارسال داشت، که در محل مرغوبی بواقفان موقف جلال عرض، که بدانچه رأی عالم آرا قرار گیرد از آن قرار عمل فرمایند. باقی ایام دولت و عزت و سعادت و حشمت و کامرانی بردوام باد. ظهر نامه مهر کریم خان زند

- ۳ -

سوادنامه عبدالحمید اول به کریم خان زند^۱

«حالا ممالک ایرانیه ده شاه و کیلی اولان زند کریمخان طرفنه یازیلان نامه همایون شوکت مقرونک سوده سیدر» المحدالله الذی لایبلغ مدحته القائلون ولا یصل دزی نعوت قدرته المجتمعهدون الذی مد ظلاله نعمائه فوق عباده باکف عدالة السلاطین و اجرای جداول آلائه و ابنت مزارع الامال بفیوث حمایة الملوک العارفين و سد مداخل الخلف بتمهید اساس شرعه المتین و جعل سطور کتابه المبین سلما لمساعد الحق والیقین و جعل امة بنیة و صفیة بانباغ سنة و اقتضاء آثاره التقیة اشرف ام المرسلین و ربط سلسله الاخوة الدینیة بضوابط ائتلاف الموحدین و وصل لحمة العصبیة المعنویه بحوله وقوته بین المسلمین و الصلوة علی من کان رحمة للعالمین الذی قلع سیف جهاده اصول الضلال من اقطار الارضین و طلع شمس دینه و اشرف

۱- آرشیو ملی ترکیه در استانبول دفترنامه همایون جلد ۹ ص ۶۲

الخافقين من ظلمة سوار الكفر والمشرکین وعلی آله وصحبه مصاییح
الظلم و مصمم الامم صلی الله علیهم اجمعین .

یکتا سوار عرصه بسالت، چابک عنان حلیه حماسه ، طهورث
جنگ ، کیکاوس فرهنگ ، رستم حشمت اسفندیار آهنگ جوهر
حسام مردی و دلاوری ، سپهکش میدان پروری، حامی ممالک کشور
ایران، صفدر رزم تهمتن منشان آب روی خاقان بلند مکان ، حالا
حکمدار الکتات فارس و اصفهان و فرمانفرمای ایالات همدان و
ازان و مالک ازمه مصالح بلاد قم و کاشان و جرجان اولان زند
عبدالکریم خان جلالتنشان جنابلرینک جانب اخلاص جالبترینه مرآت
توجه شاهانه و آیینه تورد پادشاهانه دن منجلی رخساره محبوبه مهر
و محبت و بارقه صورت خلوص و صفوت ابراز و ارادت اولنوب
عبیرگریبان حورجنان و طیب مجلس کرو بیان اولمنه شایان فوایح
تسلیمات فائقه و روایح تحیات رائقه دستاویز برید انجذاب فواد
وره آورد وفود اخلاص واتحاد قلندقدن صکره باعث تألیف کلمات
دوستانه و بادی تمهید مقدمات محبانه اولمه و که بودفعه و الاجاه عزت پناه
فطانت دثار رویت شعار عبدالله بیک قدیمی دام عزه یدیله طرف
واضح الشرف خسروانه مزه ارسال اولنان نامه مخالفت القاب و
نوشته مهادنت مابکز و كذلك دستور اکرم مشیرافخم الی اخره وزیر
اعظم و وکیل مطلق صداقت علممنز درویش محمد پاشا ادام الله تعالی
اجلاله و ضاعفه بالتائید و اقتداره و اقباله به مرسل مکتوب بلاغت
متسویکز و اردو و اصل.... وزیر اعظم مشارالیه و ساطتیله معروض
پایه سریر معدلت سمیر و موصول حضور گردون نظیر تاجدارانه مز
اولوب جمله سنک مفهوم و مفادینه و قوف و اطلاع شهنشاهانه مز
حاصل اولمشدر و شنشنه جلیله خدیوانه و دیدنه جمیله داورانه مز

مقتضاسنجه صوب سامی و جانب گرامیمزه اظهار خلوص نیت و عرض موالات و مودت ایدنلره فتح ابواب مخادنت و گشاد روزنه استیناس و محبت لازمه قاعده مروت و راتبه عمده حقانیت اولوب خصوصاً جناب حماسه نصابکز ممالک ایرانیه ده متکی و ساده و کالت شاهی و مرتقی سلم ایالت پناهی اولدیفکز حسبیله اهالی جانبین میانه لرنده موکد و موثوق اولان رابطه اخوت دینییه و ضابطه اتفاق ملیه مشرق خاطر فیض مظاهر شاهانه مزدت طلوع نیرحب و و دادگری ایجاب ایدر نامه الفت مفاد و نوشته خلوص مستفاد کردن مندرج تبریک جلوس میامن مانوس خسروانه و تسعید خلافت موروثه شهریارانه مز خصوصی و مرکز دوستداری و بکجهتیده دوام و استقرار برله منافی شرایط صلح و صلاح حالت و قوعنی عدم تجویزیکز مزایاسی موجب تزیاید صفوت درون و موروث ترقی اخلاص بال صفا مشحون اولدوغنده اشتباه اولنمیه مقام صدارت عظمایه تحریر ایلدیککز مکتوب کزده مسطور ماده لرك هربری معلوم همایونمز اولوب لازم گلن اجوبه سی وزیر اعظم و وکیل مطلقمزمشارالیه طرفنون یازیلان مکتوب ده درج و تصریح و ایضاح و تفصیل اولنمغله مطالب مذکوره اتدن منظور و مفهومکز اولمق مقرر در خصایص دودمان مغلدارکان و خصائل خاندان معدلت بنیان ملوکانه مزون اولان محافظه رسوم عهد و میثاق و محارسه لوازم پیمان و اتفاق قضیه سنده دولت علیه ابدی الاستمرارمک سعی و اقدامی نه درجه لرده اولدیفنی و امت محمددن اولان اهالی ایرانک ممالک محروسه مزه آمدشد ایدن حجاج و زوار و تجار لرینه سرموگزند و ضرر اصابتنه و جهاً من الوجوه رضای ملوکانمز اولمدیفنی دلیل و برهانه حاجت اولمدیفنه بناء تفصیل احوال وزیر اعظمک تحریر اتندن عکس انداز مرآت طبع خلوص تبعکز اولور و الاجاه عزت پناه مومی الیه عبدالله بیک طرفکزه

عودت ایتدر لمکله اشبونامه همایون ملاطفت مقرونمز اصدار ومیر مومی الیه ایله ارسال اولنمشدر ان شاءالله تعالی لدی الوصول مغایر شروط سلم ومصافات ومخالف رسوم عهد وموالات مادامکه بوندن بویله جانب دیانت مناقبکزدن وضع ناهموار تحدثنه جواز ورخصت گوسترلمبه سرچشمه مخالفت ومهادنه یه ایراث تغیر وتکدر ایده جک طور ردی وقوعنه طرف مستجاب الشرف خدیوانه مزدن دفی قطعاً جنبش ابروی رضا وتجویز امکانه اولمیسه جفی معلوم حقایق مرسومکز اولدقده همیشه گلزار محبت جانبین وچمن مودت طرفینه تطرق برودت دیماه تغیردن اجتناب اولنمسی امرینه صرف جل مکنت اولنمق ملحوظدر

فی اواسط س (شعبان) ۱۱۸۹

ترجمه^۱ نامه عبدالحمید اول بکریم خان زند

الحمد لله الذي

بجانب اخلاص جالب جلادتنشان یکتا سوار عرصه بسالت چابکمنان حلیه حماسه، طهمورث جنگ، کیکاوس فرهنگ، رستم حشمت، اسفندیار آهنگ، جوهر حسام مسردی ودلاوری سپهکش میدان حمیت پروری حامی ممالک کشور ایران صفدر ازم تهمتن منشان، آبروی خاقان بلندمکان جناب عبدالکریم خان زند که اینک حکمدار نواحی فارس واصفهان وفرمانفرمای ایالات همدان واران ومالک ازمه مصالح بلاد قم وکاشان وجرجان است. بعداز ابرازو ارادت فوایح تسلیحات فائقه وروایح تعیات رائقه که شایان عبیر گربیان حور جنان است وطیب مجلس کروبیان دستاویز انجذاب فوآد وره آورد وفود اخلاص واتحاد است واز رخساره محبوبه مهر

۱- در ترجمه کوشش شده است که حتی المقدور امانت و اصالت متن حفظ شود.

و محبت و بارقه صورت خلوص و صفوت که منجلی است از مرآت توجه شاهانه و آیینۀ تودد پادشاهانه باعث تألیف کلمات دوستانه و بادی تمهید مقدمات محبانه این است که نامه مخالفت القاب و نوشته مهادنت مآب عالی بوساطت والجاه و عزت پناه و فطانت دثار و رویت شعار عبدالله بیک قدیمی دام عزه بجانب واضح الشرف خسروانه فرستاده وارد شد و مکتوب بلاغت منسوب حضرتعالی که به دستور اکرم و مشیر افخم درویش محمد پاشا وزیر اعظم و وکیل مطلق صداقت علم ما درویش محمد پاشا ادام الله تعالی اجلاله و ضاعفه بالتأیید اقتداره و اقباله ارسال شده از طرف وزیر اعظم مشارالیه به پایۀ سریر معدلت سمیر و به حضور گردهون نظیر تاجدارانۀ ما موصول گردیده به مفهوم و مفاد آنها وقوف و اطلاع شهنشاهانۀ ما حصول یافت گشادن ابواب مخدانت و روزنۀ استیناس و محبت مقتضای شنشنه جلیله خدیوانه و دیدنۀ جمیلۀ داورانۀ ماست به آنها که بصوب سامی و جانب گرامی ما اظهار خلوص نیت و عرض موالات و مودت کنند و لازمه قاعده مروت و راتبۀ حقانیت هم این است خصوصاً بجانب حماسه نصاب شما که الان در ممالک ایران متکی و ساده و کالت شاهی و مرتقی سلم ایالت پناهی هستید و باین مناسبت در میان جانبین رابطه اخوت دینی و ضابطۀ اتفاق ملیه که مؤکد و موثوق است در نامه الفت مفاد و نوشته خلوص مستفاد شما تبریک جلوس میامن مانوس خسروانه و تسعید خلافت موروثه شهریارانۀ ما مندرج است و دوام استقرار شما در مرکز دوستداری و یک جهتی بعدم تجویز وقوع حالتی که منافی شرایط صلح و صلاح است موجب طلوع نیرحب و وداد شما در مشرق خاطر فیض مظاهر شاهانۀ ما شد و سبب صفوت درون و موروث اخلاص بال صفا مشحون ما گردید

و درین خصوص مبادا که اشتباه نمایید هر خصوص که در مکتوب شما بمقام صدارت عظمی نوشته اید یکایک همه آنها معلوم همایون ماست و پاسخهایش در نمیکه که از جانب وزیر اعظم و وکیل مطلق ما مشارالیه نوشته است درج و تقریح و توضیح شده است البته بمطالعات مذکوره از آن نمیکه منظور و مفهومی شما باشد سعی و اقدام دولت علیه ابدی الاستمرار در قضیه محافظه، رسوم عهد و میثاق و ممارسه لوازم پیمان و اتفاق که از خصایص دودمان مغلدارکان و از خصائل خاندان معدلت بنیان ملوکانه ماست چه قدر دقت و اهتمام نماید معلوم شماست و بحجاج و زوار و تجار ایران که از امت محمد هستند و بممالک محروسه ما مییابند و از دیار ما میگذرند و میروند و سرمو گزندی و ضرری اصابت کند و جهاً من الوجوه در این بابت رضای ملوکانه ما نیست و نباشد و اثبات این قضیه بدلیل و برهان احتیاج ندارد لذا تفصیل احوال از نوشتجات وزیر اعظم ما عکس انداز مرآت طبع خلوص منبع شما خواهد شد و الاجاه عزت پناه مومی الیه عبدالله بك که بحضور شما مشرف شوند این نامه همایون ملاطفت مقرون را بواسطت ایشان تقدیم می نمائیم انشاءالله شرف وصول یابد و بعد ازین مادام که به تحدت وضع ناهموار که مغایر شروط سلم و مصافحات و مخالف رسوم عهد و موالات باشد از جانب دیانت مناقب شما جواز و رخصت ننموده از طرف مستجاب الشرف خدیوانه ماهم قطعاً و حتماً جنبش ابروی رضانشود که طور روی واقع شده و سرچشمه مخالفت و مهادهنثرا ایراث تغیر و تکدر کند چون این حال معلوم حقایق مرسوم شما باشد ملحوظ است که شما هم صرف جل و مکنت بکنید و همیشه مجانبت نمایید که گلزار محبت جانبین و چمن مودت طرفین از تطرق برودت دیماه تغیر نپذیرد.

فی اواسط س (شعبان)

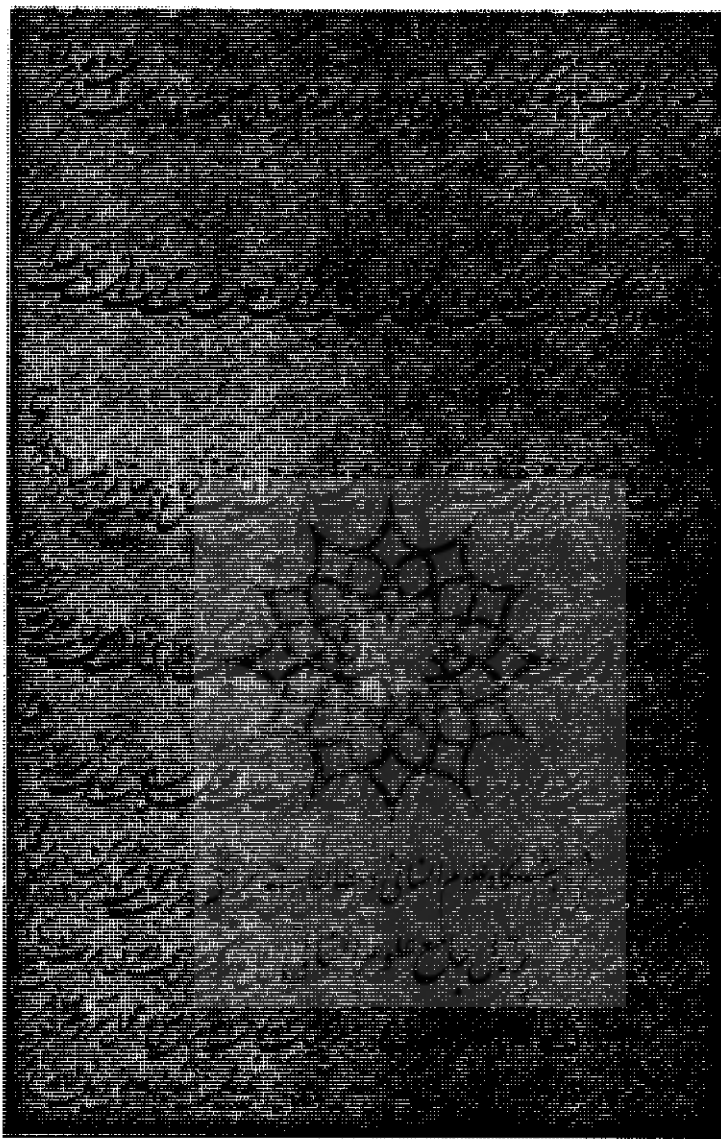
تاریخ: ۱۸۹۰ سنه ۱۲۸۹

نامه حاج میرزا آقاسی به صدر اعظم عثمانی

چندانکه مناظم عالم امکان بکفالت کارکنان تقدیر منوط و مقاصد جمهور جهانیان باصابت رای رزین کفات روشن ضمیر مربوط است همواره اریکه صدارت و کفالت بذات محامد سمات جناب شوکت و جلالت نصاب مجدت و فخامت انتساب صدرالوزراء الفخام دوست مکرم والامقام مشیرمفخم صدر اعظم زیب اندوز وساحات فسیح وزارت و درایت از فروغ رای اصابت قرین ضیا افروز باد

بعد از شرح مراسم دعا بر صفحه صحیفه مودت و صفا مینگارد که خجسته نامه دوستی مآب و فرخنده کتاب یگانگی نصاب که بیاد آوری احباب در صحبت جناب جلالت نصاب سماحت و فراست انتساب فضیلت و سعادت اکتساب سید محمود اسعد افندی صدر آناطولی و غیره که از طرف قرین الشرف آندولت علیه بجانب سنی الجوانب این شوکت سنیه بر تبه سفارت بزرگ مخصوص مأمور شده سمت ارسال پذیرفته بود زیب محفل وصول و شارح فصول حصول مأمول آمد مضامین مسطوره مستورات حجاب اتحاد را چهره گشا و شاهدان پرقع بجمال مهر و وفا را شاهد صداقت سیما بود اکنون که جناب معزی الیه مأموریت خود را بدر بار همایون ابلاغ کرده بحسن سیاق و تحبیب اخلاق بر مراتب دوستی و وفاق دولتین علیتین افزوده معاودت میگردند باقتضای شرایط مواحدت بتحریر و ترسیل این مودت نامه پرداخت و تفصیل اوضاع محول بتقریر سفیر صافی ضمیر است که در

۱- اصل نامه در آرشیو ملی ترکیه تحت شماره ۳ در دفتر خط همایون ثبت است



سند شماره ٤

زمان حضور ابلاغ خواهند کرد شرط موافقت مقتضی آن است که پیوسته محبان را از نگارش صحایف دوستانه و ارجاع مهمات خوشوقت فرمایند. باقی ایام جلالت و صدارت مستدام باد.

مهرا آقاسی تاریخ ۱۲۵۰

مختصر جوابی بزودی لطف کنند تا تکلیف خود را بدانم از آن قرار عمل نمایم من طالبیم که اولاد من هم رهین منت دیگری نباشد دیگر مختار جمیع امور من آنجناب جلالت مآب میباشند و انتظار جواب را بزودی دارم باقی ایام عمر و عزت مستدام باد.

تاریخ ندارد.

کتابخانه مدرسه لایحه‌الم

- © -

نامه علیشاه ظل السلطان به محمد رشید پاشا صدراعظم عثمانی

جناب جلالت و عظمت مآب ابهت و عدالت و حشمت مناب نظام -
الحضرة الباهرة ، عصام الدولة القاهرة ، كافل مصالح الامور بالفكر
الثاقب ، ناظم مناظم الجمهور بالرای الصائب ، مؤتمن السلطنة الرفیعه
الخاقانیه ، منظور انظار ظل الله برادرم صدراعظم دولت علیه حضرت
رشید پاشا را مخصوص سلام میرسانم

مدت دوازده سنه است که در زیر سایه اعلی حضرت شاهنشاه
زمان شوکتلو افندمز عمری براح و عزت و صفای خاطر گذرانیده ام
چه در اسلامبول و چه در عربستان از وزرا و امرا عزتها و احترامها
دیده و امتنان هم از همگی دارم بخصوص از وزرای بغداد چه سابق
و چه لاحق والحمد لله معاش هم از تصدق فرق مبارک اعلی حضرت
شوکتلو افندمز نوعی گذشته است که محتاج بدولتی و همسری نبودم

دعاگوی دولت بودم و هستم و در این مدت هرامری از برای من اتفاق افتاده بی شور و مصلحت امنای دولت علیه مرتکب او نشدم در این روزها امری اتفاق افتاده از شاه عجم ناصر شاه خیرمرحمتی بعد از چندین سال نسبت بکسان ما شده مبلغ دوهزار تومان که صد هزار غروش باشد از برای آنها قرار داده اند از کسان ما بما اطلاع دادند چون خود من و اولاد من نمک پرورده خان احسان دولت علیه هستیم بنابراین من در جواب تأمل نمودم و نوشتم اولادهم تأمل نمایند تا خبر ثانی من بآنها برسد لهذا بآنجناب جلالت مآب اظهار میشود که چه میفرمایند اذن قبولش را میدهند که بنویسم قبول کنند یا خیر اذن نیست و بطوری وقسمی که در این مدت گذشته گذران نموده اند باز بر همان قرار باشند بی اذن و مرخص آنجناب جلالت مآب محال است من کاری کنم و قبول مطلبی نمایم مختصر جوابی بزودی لطف کنند تا تکلیف خود را بدانم از آن قرار عمل نمایم من طالبم که اولاد من هم رهین منت دیگری نباشد دیگر مختار جمیع امور من آنجناب جلالت مآب میباشد و انتظار جواب را بزودی دارم باقی ایام عمر و عزت مستدام باد

۱- آرشیو نخست وزیری ترکیه اداره خارجیة بشماره ۴۲۵۲ نویسنده نامه دهمین پسر فتحعلی شاه است که پس از فوت اودر ۱۲۵۰ چند روزی خود را شاه خواند ولی چون محمد شاه بتدبیر قائم مقام بر تخت نشست ظل السلطان ابتدا بهمدان و بعد بمرآغه تبعید و سرانجام در اردبیل زندانی شد. از زندان بروسیه و از آنجا ببغداد گریخت و بسال ۱۲۷۱ قمری در کربلا بسن ۶۲ سالگی درگذشت.